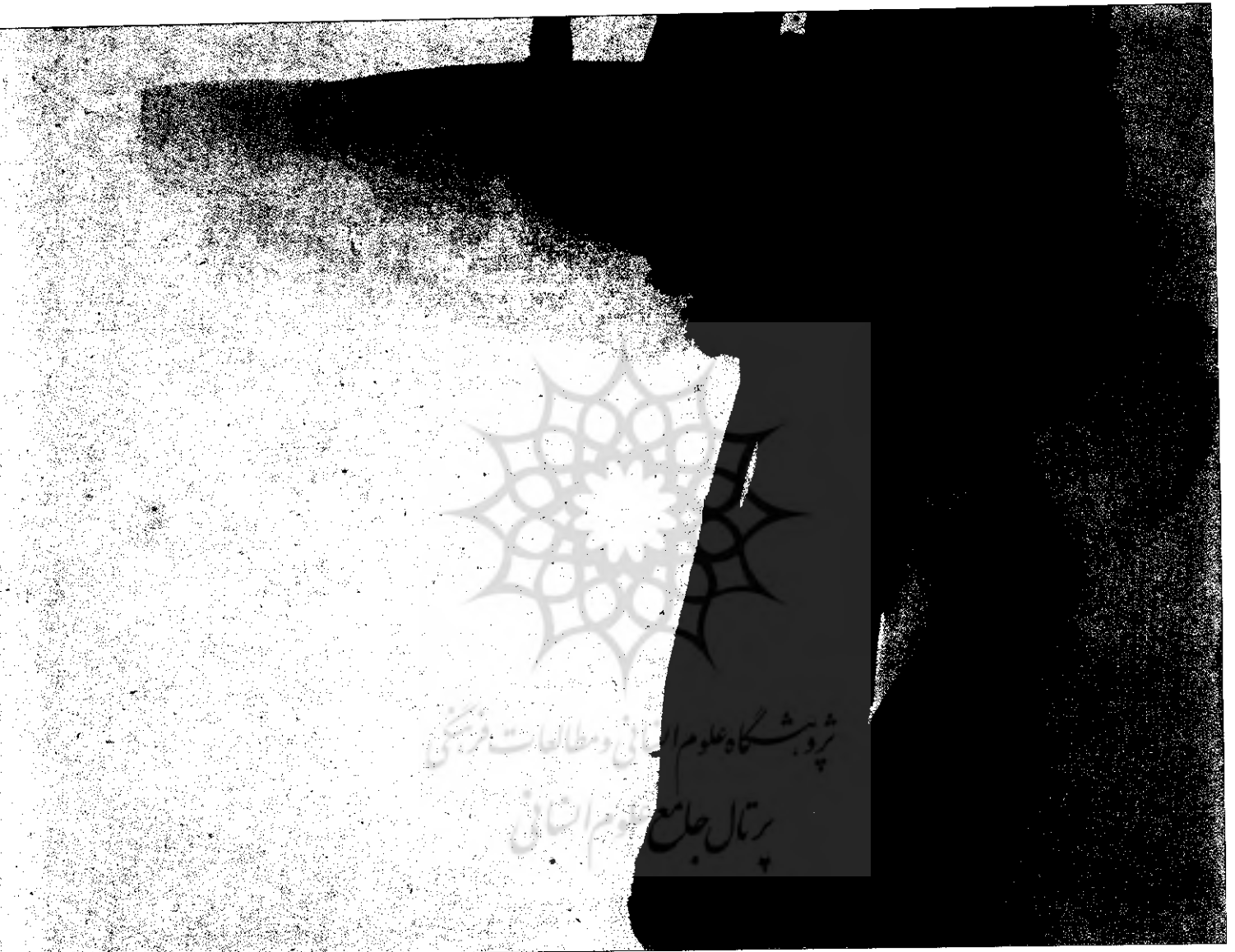


شعر من نقاشی است

مروزی بر نقاشی‌های سهراب سپهری
فریدون حسن‌خانی / دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی



سهراب سپهری یکی از چهره‌های مطرح و آشنای معاصر در قلمرو شعر و شاعری و ادبیات و هم‌چنین در عرصه نقاشی است. اما چندان که به مقوله شاعری سپهری پرداخته شده، به هنر نقاشی او پرداخته نشده است. علت این امر را شاید بتوان در تنوع، پراکندگی و تجربه‌های متناوب و بی‌دریی او در عرصه هنر نقاشی دانست. با نگاه به مجموعه طراحی‌ها و نقاشی‌های سپهری می‌توان دریافت که سپهری شاعر، آثار ماندگاری را نیز با زبان تصویر خلق کرده و به یادگار گذاشته است.

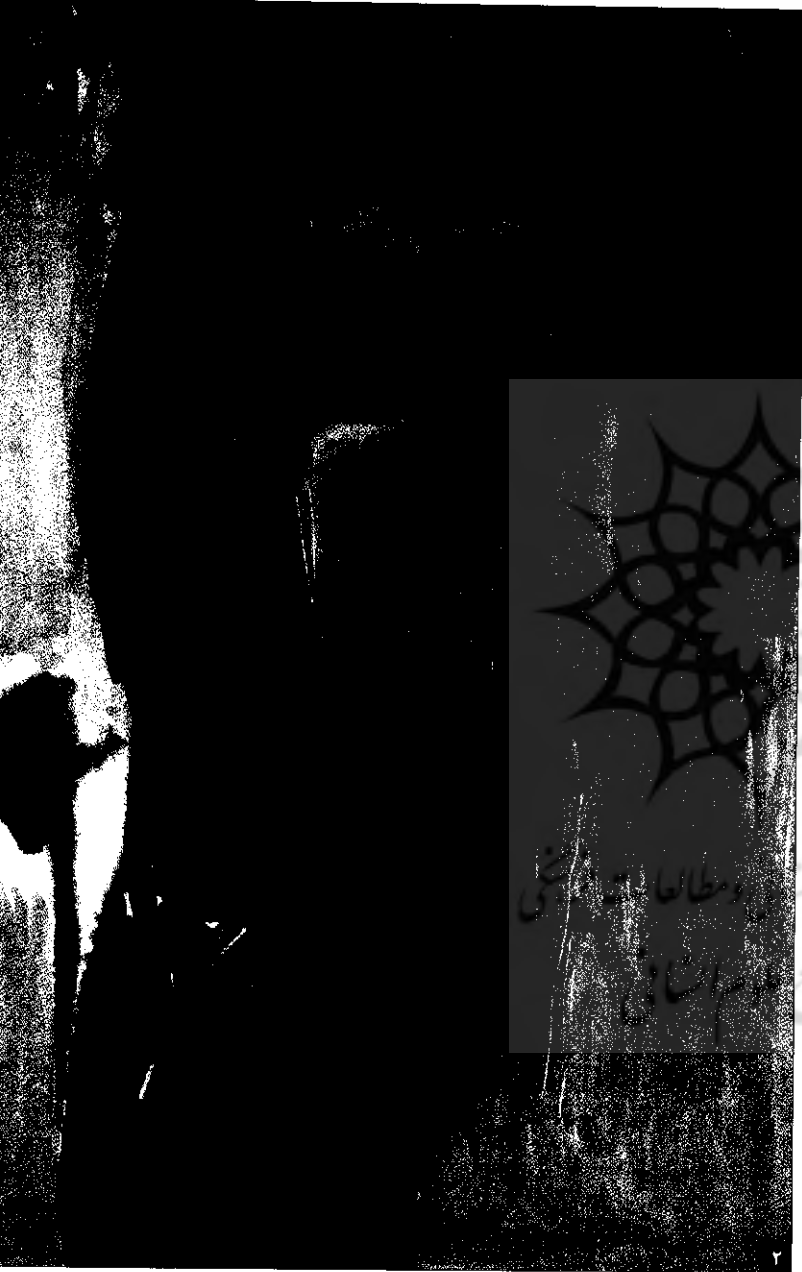
سهراب سپهری تقریباً از زمان تحصیل در دانشسرای مقدماتی به نقاشی می‌پرداخت. نقاشی‌های او در این زمان غالباً الهام گرفته از طبیعت بودند. سه پایه و رنگ را برمی‌داشت و به دشت‌های اطراف خانه می‌رفت و اکثراً با رنگ و روغن کار می‌کرد. موضوعاتی که کار می‌کرد، مناظر طبیعی و افراد خانواده بودند. او تا این زمان کارهایی تقریباً واقع‌گرایانه داشت. اولین باری که او به‌تصرف و دخالت در طبیعت پرداخت، زمانی بود که منوچهر شیبانی با او درباره نقاشی، دانشکده هنر و هنر مدرن سخن گفته بود. داستان از این قرار بود: «یکی از روزها، هنگام نقاشی در تپه‌های اطراف قمصر با دانشجوی جوانی آشنا می‌شود که در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته نقاشی درس می‌خواند. این شخص «منوچهر شیبانی» بود که علاوه بر تصویرگری استعداد بسیار خوبی در گفتن شعر داشت. وی ضمن تحسین کار سهراب، او را تشویق کرد که به تهران برود و در رشته نقاشی ادامه تحصیل دهد. شیبانی برای سهراب شیفته توضیح داد که چگونه در دانشکده از مدل زنده استفاده می‌شود. از نقاشی مدرن هم برای او سخن گفت و افزود که در این شیوه لازم نیست یک درخت را عین خودش بکشیم.»^۱ بعد از آشنایی و گفت‌وگو درباره هنر مدرن و دخل و تصرف در طبیعت، اولین کار ذهنی و غیرطبیعی او شکل گرفت و آن تابلویی بود که درختی را شبیه سربازی در حال سلام نظامی دادن نشان می‌داد.

این سرآغازی بود برای سنت‌شکنی او، چه در نقاشی و چه در شعر. سهراب بعد از آن که در طول تحصیل در دانشگاه و بعد از آن طی سفرهایی که به اروپا داشت، با دیدگاه هنرمندان مدرن اروپایی آشنا شد و آشنایی با این دیدگاه او را در فهم فرهنگ و هنر مشرق‌زمین، مخصوصاً خاوردور یاری داد. سهراب بیش از پیش شیفته هنر ژاپن و چین می‌شد. با فرهنگ پویای تائو آشنا شد، شیفته هنر ذن^۲ و خلاق آن شد. از خلاصه‌گویی و تمام‌گویی هایکو^۳ در شعر و نقاشی‌هایش فراوان استفاده کرد. از معانی و تعاریف فرم‌ها و رنگ‌ها که در فرهنگ‌های مختلف با آن آشنا شده بود، برای معنی دادن به آثارش استفاده کرد. در نقاشی ملهم از تفکر ذن به فضای منفی همان‌قدر ارزش داده می‌شود که به فضای مثبت.

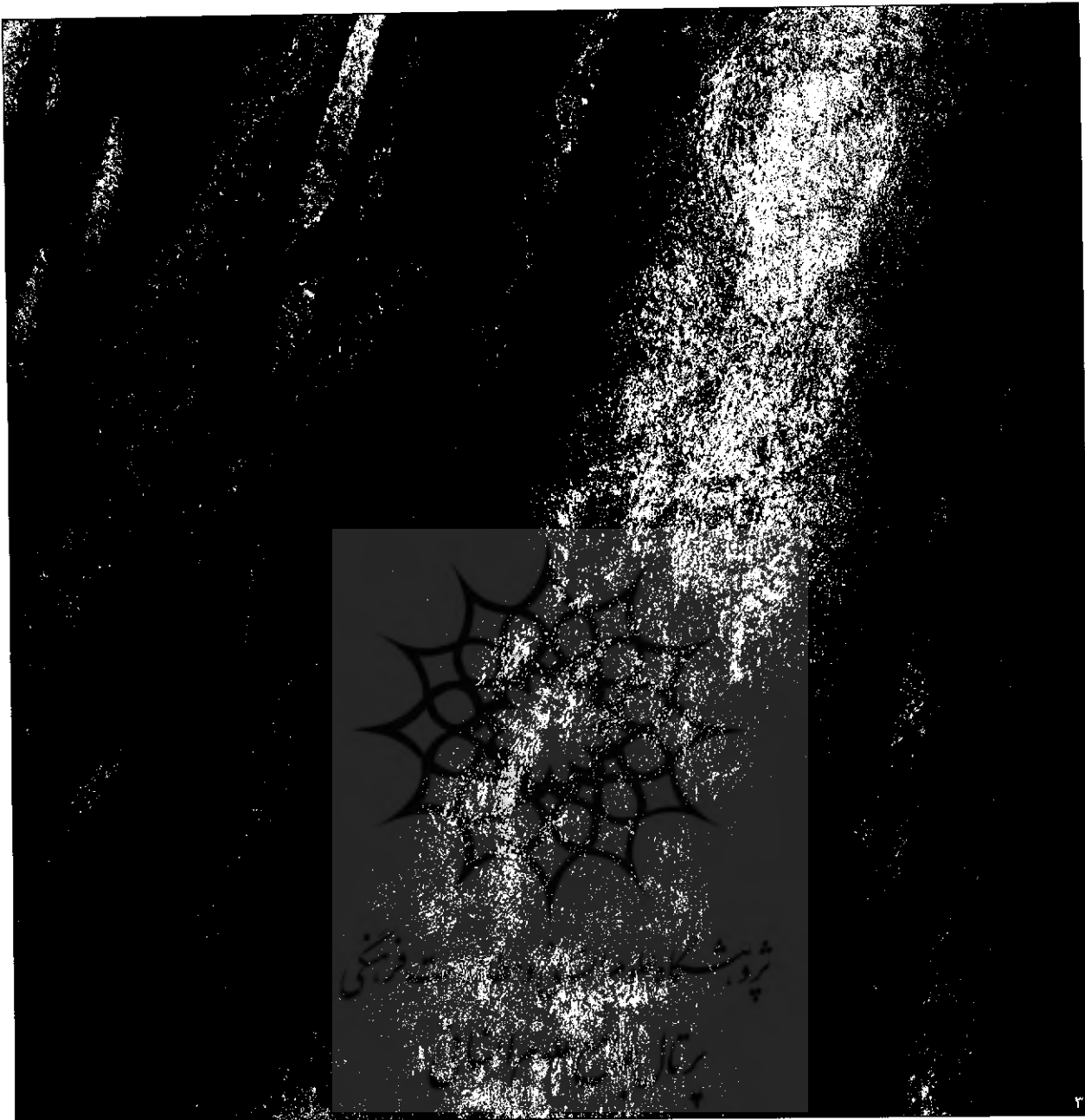
بیننده در فضاهای منفی به آرامش می‌رسد و در خلاءهای تصویری به‌دنبال ناگفته‌ها می‌گردد و خود به آن‌ها به حالت خالص‌ترین شکل دست می‌یابد. هایکو به‌طور کلی یعنی حناکتر استفاده از حداقل کلمات و ترکیبات، دوری از آوردن استعاره، تشبیه و ترکیبات سنگین لغوی و تصویری. «خواننده هایکو نیز ناگفته‌ها را در خیال خود می‌گوید. هایکو بیشتر در سفیدی کاغذها نهان است [...] و بار هایکو به دوش روان خواننده است و در آن جاست که شعر به کمال خود دست می‌یابد.»^۴ این‌ها شیوه‌های هنری، نه بهتر است بگوییم شیوه‌های زندگی است که سهراب چه در هنرش و چه در زندگی‌اش، گرچه هنرش همان زندگی‌اش بود، به کار بست و به نحو احسن هنرش را تجلی داد و از محدود نقاشان ایرانی شد که در بین هم‌کیشان خود توانست جایگاه خاصی را به خود اختصاص دهد.

در اینجا باید یادآور شد به‌دلیل هماهنگی کامل خصوصیات شعر و نقاشی سهراب، ناچار از تحلیل توأم این دو هستیم.

هنر سهراب از سادگی و ایجاز در کلام و تصویر برخوردار است. او بسیار ساده و داستان‌گونه شعر می‌گوید و بسیار خلاصه و کامل نقاشی می‌کند. با دیدن نقاشی‌های او و



سهراب سپهری (۱۳۰۲-۱۳۸۲) نقاش، شاعر، و روزنامه‌نگار ایرانی. او یکی از چهره‌های برجسته معاصر ایران است که در عرصه شعر و نقاشی به دستاوردهای مهمی دست یافت. سهراب سپهری در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران متولد شد. او تحصیلات خود را در دانشسرای مقدماتی و سپس در دانشسرای عالی تهران گذراند. سهراب سپهری در سال ۱۳۲۵ خورشیدی به همراه گروهی از هنرمندان جوان، گروه «سهراب» را تشکیل داد. این گروه در عرصه شعر و نقاشی فعالیت داشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۳۰ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۳ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۳۵ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۸ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۳۹ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۱ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۴۲ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۷ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۴۸ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۰ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۵۱ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۳ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۵۴ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۶ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۵۷ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۹ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۶۰ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۶۲ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۶۳ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۶۵ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۶۶ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۶۸ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۶۹ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۱ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۷۲ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۴ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۷۵ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۷ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۷۸ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۸۰ خورشیدی به ایران بازگشت. سهراب سپهری در سال ۱۳۸۱ خورشیدی به همراه گروه «سهراب» به فرانسه مهاجرت کرد. او در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۸۲ خورشیدی به ایران بازگشت.



رابطه برقرار کرده‌اند. حتی می‌شود گفت یکی از مشخصه‌های بارز و نقاط قوت آثارش همین فضاهای منفی تابلوهاست. همین فضاهای منفی سفید و روشن است که بیننده را در خود فرو می‌برد و باعث درک بهتر فضاهای مثبت تابلو می‌شود. در دورنمایی که سهراب ارائه می‌کند، برخلاف روال معمول نقاشی فضای مثبت در قسمت بالایی تابلو دیده می‌شود و فضاهای خالی و عمدتاً سفید در قسمت ۲/۳ پایین تابلو قرار دارند و این عمل باعث ایجاد تعادلی بسیار مناسب در قسمت بالا و پایین تابلو می‌شود.

سپهری در نقاشی‌هایش «آرام‌آرام و در طول سال‌ها، از کل منظره به اجزاء آن می‌رسد و با حیرت و مهربانی، بر این اجزاء مختصر تأمل می‌کند و خیره می‌شود. از آخرین نمونه‌ها به نقاشی‌های بزرگی که به سفارش تلویزیون تهران کشیده بود، می‌شود اشاره کرد: منظره‌ها به ترکیب تنه‌های درختان خلاصه می‌شوند و نواخت موازی و عمودی و گاهی اریب تنه‌ها، همین گریز از کل به جزء را مشخصاً تصویر می‌کند.»

دوباره در ترکیب‌بندی‌های تابلوهایش می‌بینیم که منظره‌های کویری که سهراب تصویر می‌کند، البته شاخص‌ترین آن‌ها، درختانی است که از یک گوشه پایین تابلو به سمت گوشه مقابل آن در قسمت بالایی اثر با نظم و ریتمی ویژه کشیده می‌شوند و در بعضی موارد برای آن که حضور آدمی و به‌طور اخص فرهنگ ایرانی را به عینه یادآور شود، خانه‌های گنبددار کاهگلی کویر ایران را نیز از لابه‌لای این درختان به نمایش می‌گذارد. البته آثار او دارای ویژگی‌هایی است که بدون پرداختن به این‌گونه ظواهر شناخته شده نیز، آبخور و محمل

خواندن شعرهایش، می‌توان پی به دنیای تنها و غریب او برد. برای شناخت بهتر نقاشی‌های سهراب بهتر آن است که این آثار را با آثار خاور دور «چین و ژاپن» مقایسه کنیم. در همین مقایسه می‌بینیم که فضای منفی، همسان با فضاهای مثبت، سادگی، خلاصه‌گویی و راحتی در کار، که بعد از شناخت کامل موضوع مورد نظر به دست می‌آید و اساس هنر چین و ژاپن است در کار سهراب هم به چشم می‌خورد.

درباره همین شناخت از موضوع، سهراب می‌گوید: «به گوش هنرمند خاور دور خوانده‌اند: ده سال خیزران را طراحی و بررسی کن، تا جایی که خود به خیزران بدل شوی. اما آنگاه که سرانجام در ترسیم آن کامیاب شدی، فراموش کن که از طبیعت سرمشق می‌گیری».

این اصل کار چینی را سهراب در سراسر هنر خود، چه در شعر و چه در نقاشی رعایت می‌کند. چنان‌که خلوت‌های مکرری که سهراب برای خود به‌وجود می‌آورد و در طبیعت اطراف کاشان و دیگر نقاط به‌درون خود و طبیعت می‌اندیشد، دلیل بر این مدعاست.

سهراب همانند نقاش چینی در عمل نقاشی حل می‌شد و همان‌طور که «ووچن» می‌گوید: «وقتی که به نگارگری می‌آغازم، جبرم نیست که می‌نگارم، پاک از یاد می‌برم که این منم که قلم‌مو به کف دارم». سهراب هم در نقاشی و آفریدن آثارش این چنین بود.

در ترکیب‌بندی‌های آثار سهراب به قوانین خاصی می‌رسیم و این قوانین خاص، ریشه در هایکو و ذن دارد. در اکثر کارهای سهراب فضاهای منفی بیشتر سطح تابلو را به خود اختصاص می‌دهند ولی این فضاهای منفی به‌گونه‌ای استادانه و با مهارت با فضاهای مثبت



...

ساده باشیم
ساده باشیم چه در باجه یک بانک چه در زیر درخت.
کار ما نیست شناسایی «راز» گل سرخ
کار ما شاید این است
که در افسون گل سرخ شناور باشیم.

...

سهراب سپهری در خلق آثارش بیشتر از رنگ‌های گواش، آبرنگ و رنگ روغن استفاده می‌کرد. همچنین بیشتر این رنگ‌ها را به‌طور رقیق شده استفاده می‌کرد و این شیوه نقاشی به فن نقاشی چینی و ژاپنی وابسته است. سهراب همان‌طور که خود نیز اذعان می‌کند، به رنگ آبی و زرد ارادت خاصی داشت. در بسیاری از نوشته‌هایش نیز از این دو رنگ به‌طور ملامت‌یاده کرده است.^{۱۰} چون این رنگ‌ها، رنگ‌های شاخص کوپر، سرزمین اجدادش می‌باشند، چون این دو رنگ، رنگ آسمان «آبی» و رنگ زمین «زرد» می‌باشند. و این رنگ‌ها را با قهوه‌ای ساده‌ایی که برای تنه درختان و سایه‌های خانه‌های کاهگلی و تپه‌های شنی استفاده می‌کرد، می‌آراست. نهایت هایکو را در نقاشی‌های سهراب سراغ داریم و آن تابلوهایی است با زمینه آبی خاکستری تیره که به‌طور خلاصه شده‌ایی به‌صورت منحنی‌های افقی بر روی این خاکستری آبی آمده‌اند و این تابلوها به بیننده اجازه می‌دهد آزادانه در نقطه نقطه تابلو گردش کند و فضاهای ذهنی خود را با فضاهای ذهنی نقاش درهم آمیزد و به کمال هایکو که در خلاصه‌گویی و ساده‌گویی است، دست یابد.

تجربه‌های متفاوت، روح جستجوگر و خلق نقاشی‌های متفاوت - شامل کارهای واقع‌گرایانه، آثار سمبولیک و نمادین، تجربیات نقاشی‌های مدرن و تأثیرات هنرمندان غربی، طراحی‌های آزاد با آب مرکب و... - این امکان را نمی‌دهد تا آثار نقاشی سپهری که در طول زمانی نزدیک به سی سال شکل گرفته‌اند، به‌طور دقیق بررسی و تجزیه و تحلیل شود. اما نگاهی به آثار چشم‌نواز و ماندگار او و توجه به طراحی‌های آزادش، گواه بر این است که سپهری به همان اندازه که بر ادبیات و شعر و کلام مسلط بود، به زبان تصویر نیز وقوف داشت و شاید از این روست که شعرهای او یادآور تصاویری در ذهن شده و نقاشی‌هایش کلام و یا جمله‌ای را در ذهن تداعی می‌نماید.



پی‌نوشت:

- ۱- سپهری، سهراب، مرغ مهاجر، ص ۶۴
- ۲- دین از تعالیم بودنت و در این روش، فرد بعد از انجام اعمالی و آماده کردن روح، در شیوه خود غرق می‌شود.
- ۳- نوعی قالب شعری در ادبیات ژاپن
- ۴- سپهری، سهراب، اطاق آبی، ص ۵۵
- ۵- همان، ص ۵۴
- ۶- Wuchen
- ۷- سپهری، سهراب، اطاق آبی، ص ۵۶
- ۸- آغاشانو، آیدین، از خوشی‌ها و حرق‌ها، نشر آتیه، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲
- ۹- همان، ص ۱۲۴
- ۱۰- یادداشت‌های او در «کتاب آبی» و پرداختن به خصوصیات رنگ‌های زرد و آبی نمونه‌ای از این توجهند.

فهرست منابع

- سپهری، سهراب، اطاق آبی، روشن، تهران، ۱۳۷۰.
- سپهری، سهراب، مرغ مهاجر، تهران، ۱۳۶۸.
- آغاشانو، آیدین، از خوشی‌ها و حیرت‌ها، نشر آتیه، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲.
- منبع تصاویر: نقاشی‌ها و طرح‌های سهراب سپهری، گردآوری و تنظیم بیروز سیار، درویش، تهران، ۱۳۷۱.

شرح تصاویر:

- ۱- آب مرکب، از مجموعه طرح‌ها
- ۲- گواش روی مقوا، ۲۶ x ۵۳ سانتی متر
- ۳- تپه‌های درختان، میان دهه ۵۰، رنگ روغن روی بوم، ۲۰۰ x ۲۰۰ سانتی متر، موزه هنرهای معاصر تهران
- ۴- آبرنگ روی کاغذ، ۳۷ x ۲۷/۵ سانتی متر

پیدایش خود را به‌وضوح و با قدرت تمام به نمایش می‌گذارند. تن رنگ‌هایی که میان قهوه‌ای سوخته تا اخراهای بسیار روشن قرار دارند و بافت ویژه‌ای که کل اثر با تکیه بر آن سامان یافته است و یا درختان راست‌تنه‌ای که به ردیف، درپی هم‌دیگر قرار گرفته‌اند و یادآور درختان سرو کنار جویبارهای دشت‌ها می‌باشند و فضاهای خالی که تلاعی‌گر وسعت آفتاب خورده کوپر می‌باشند، همه و همه، این ویژگی و هویت را به نهایت توان و به‌گونه‌ای رسا فریاد می‌کنند. سپهری بر همین سیاق آثار دیگری نیز به‌وجود آورد که عنصر تصویری غالب این تابلوها به جای تنه درختان، قله سنگ‌های حجیم کنار رودخانه‌ها می‌باشند.

سپهری در آفرینش‌هایش از مظاهر تصویری و دیداری محیط پیرامونش به نحو احسن سود می‌جوید و حتی در توجه کردن به خودی بودن آثارش، اغلب وسواس به خرج می‌دهد و در این راه از فلسفه و هنر شرق دوره چین و ژاپن نیز بهره‌ها می‌گیرد بدون آن که تشخیص ایرانی آثارش کمرنگ شود. «سپهری هر که بود و هر چه سرود و هر چه به تصویر کشید، دلبسته این سرزمین ماند و چه فرقی می‌کند که فن کارش را از چین و یا از ماچین به وام گرفته، مگر نقاشان قبل از او چنین نکرده بودند.»^{۱۱}

سپهری در نقاشی به سادگی به‌شدت اعتقاد داشت و همیشه در رعایت آن می‌کوشید، زیرا زیبایی را در خلاصگی و سادگی می‌دید. چنان‌که در شعرش هم این چنین بود و حتی تماشاگران و خوانندگان آثارش را هم به‌سادگی و بی‌پیرایگی دعوت می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع علوم انسانی